

گزارشی از ویژه‌برنامه افطاری دعوت

ماه‌عسل شبکه یک

از حقیقت گفتیم

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

سال هاست که تلویزیون بخش مهمی از زندگی مردم شده و تماشای برنامه‌های پیش از افطار به عادت هر روزه تبدیل شده است. امسال و در متفاوت‌ترین رمضان، شبکه یک سیما برنامه‌ای را روی آنتن می‌برد که به موضوع خانواده و ازدواج می‌پردازد. «دعوت» عنوان برنامه‌ای است که در ساعت‌های مانده به افطار میزبان میهمانانی از جنس مردم می‌شود. به نظر می‌رسد «دعوت» در بحبوحه رقابت ویژه‌برنامه‌های رمضان برای معرفی سوره‌هایی عجیب و متفاوت، از سوره‌های ساده‌ای استفاده می‌کند و تلاش ندارد مخاطب را شگفت زده کند. بلکه داستان به منظور فهم بهتر، تحلیل و کارشناسی موضوع برنامه که حفظ و تقویت بنیان خانواده است، روایت می‌شود. پنج سال است که شبکه یک همین برنامه ثابت را برای افطار در نظر گرفته است و به سراغ برنامه‌های دیگر نرفته است.

این برنامه از سال ۹۵ تا ۹۷، با اجرای نیما کرمی و همسرش زینب زارع به روی آنتن می‌رفت اما از سال ۹۸ محمد برمایی به عنوان مجری و کارشناس این برنامه دعوت شد تا دوباره اجرای برنامه را به عهده بگیرد. سال گذشته برنامه مخاطبان زیادی داشت و خود عوامل علت را در سوره‌ها و نوع پرداخت به آن می‌دانند. رویکرد اصلی برنامه حفظ و تحکیم بنیان خانواده است. به همین بهانه در یکی از روزهای اردیبهشت‌ماه راهی لوکیشن برنامه «دعوت» می‌شویم. با وجود اینکه یک ساعت تا شروع برنامه مانده است اما در پشت صحنه همه در تکاپو هستند. دکور ساده و بی‌آلایش اما متناسب با فضای برنامه طراحی شده که هنر پیمان قانع است. مجتبی کشاورز، تهیه کننده جوان برنامه بی‌سیم به دست از سیمتی به سمت دیگر می‌رود و همه چیز را بررسی می‌کند. او که سابقه تهیه کنندگی برنامه‌های بسیاری را داشته

امسال هم همراه ویژه‌برنامه رضانی شبکه یک سیماست. برنامه‌ای که با بهره‌بردن از تجربه این مدت به پختگی رسیده است. داستان امروز میهمان برنامه دعوت هم جذاب است. محسن گودرزی؛ مهمان این قسمت از برنامه که بعد از گذران دوره سربازی به عنوان مکانیک مشغول به کار شد از دلخستگی خود به دختر همسایه گفت: «پس از آنکه مشغول به کار شدم خانواده اصرار داشت که ازدواج کنم و به اجبار آنها به خواستگاری دخترش رفتم اما من که دلخاسته دختر همسایه بودم بهانه‌گیری کردم و از ازدواج با او سر باز زدم. بعد از آن موضوع علاقه‌ام به دختر همسایه را با خواهرم مطرح کردم و با وجود مخالفت او در جلسه اول اما اصرار من نتیجه داد و ما ازدواج کردیم.» داستان مهمان «دعوت» که با عشق و خوشی آغاز شده بود با یک طمع به تلخی گرایید. او توضیح داد: «برای کسب مال بیشتر و از روی طمع در دامی افتادم و شیء زیرخاکی را از کسی خریدم؛ غافل از آنکه آن شیء قدمت تاریخی نداشت و تقلبی بود. بی‌اطلاع از این موضوع آن را از طریق یک واسطه فروختم اما پولی حاصل نشد.»

محسن داستان «دعوت» که با سودای ثروتمند شدن اقدام به کار خلاف قانون کرده بود و تنها ته پولی کسب نکرد بلکه داریبی خود را نیز از دست داد، تصمیم می‌گیرد به جبران این خسارت دست به کاری خطرناک بزند. او تعریف کرد: «با چند نفر از دوستان در حالی که مسلح بودیم به خانه فردی رفتم که بعد از خرید شیء زیرخاکی و معامله با ما پولی پرداخت نکرده بود. او را مورد ضرب‌وشتم قرار دادیم، به گونه‌ای که هر لحظه امکان داشت باعث مرگ او بشویم.» گودرزی ادامه داد: «دست، پا و چشمانش را بستیم و او را از محل کسوتش به خارج شهر بردیم. پیش از آن که به مقصد برسیم آن فرد فرار و از ما شکایت کرد. پس از آن روز من با احتیاط تردد می‌کردم و مراقب بودم که در دام پلیس نیفتم اما پس از ۱۰ ماه دستگیر شدم.»



کاری که با زندگی خانواده‌ام کردم عذاب وجدان دارم چرا که اشتباه من زندگی آنها را هم نابود کرد.»
امیرحسین گودرزی؛ فرزند میهمان برنامه از سختی‌هایی که با زندانی شدن پدر متحمل شد، عنوان کرد: «۱۴ ساله بودم که پدر را دستگیر کردند؛ ما هیچ اطلاعی از کاری که او کرده بود، نداشتیم و ضربه سنگینی به خانواده ما بود. ترک تحصیل کردم و برای تأمین مخارج خانه و پرداخت بدهی‌ها مشغول به کار شدم.» داستان میهمانان برنامه تقریباً این مدلی است اما همه آنها نکته‌ای دارند اینکه برای خانواده اگر دچار اشتباه شدند، دنبال جبران کردن اشتباه‌شان هم بودند.

برای اینکه از حال و هوای بیشتر برنامه بدانیم به سراغ محمد برمایی، مجری برنامه که در کنار اجرا به عنوان کارشناس نیز در برنامه حضور دارد، رفتم، او از راه می‌رسد و گپ‌وگفتی با عوامل پشت‌صحنه می‌کند. جو صمیمی و شاد در پشت صحنه «دعوت» برقرار است. فرصتی دست می‌دهد تا با محمد برمایی گفت‌وگو کنیم.

طعم، جوانی را که با عشق زندگی می‌کرد و شغل خوبی داشت به یک‌باره به آدم‌ربایی تبدیل کرد که به جرم سرقت مسلحانه به ۱۷ سال حبس متهم شد. محسن گودرزی که در تنهایی زندان از کرده خود پشیمان شده بود، گفت: «آدم بدی نبودم اما خودم را چندان به دانستن و پیروی از خدا و ائمه معطوف نمی‌کردم. تنهایی زندان و عذاب وجدانی که نسبت به خانواده‌ام داشتم مرا بر آن می‌داشت که به دنبال گمشده‌ای بگردم. شروع به مطالعه پیرامون زندگی ائمه کردم تا بفهمم در کجای زندگی اشتباه کرده‌ام.» او از گمشده‌ای که به دنبالش بود گفت: «در کلاس‌های قرآن زندان شرکت کردم و آنجا متوجه شدم قرآن گمشده من بود. اطلاعی از تأثیر مطالعه کلام خدا بر آزادی نداشتم و تنها برای پرکردن خلأ درونی خود و اینکه خانواده با دانستن این موضوع از خطاهای من بگذرند و مرا ببخشند، دست به این کار زدم. استفاده که علاقه من را دید برای یادگیری ام سنگ تمام گذاشت و من قاری قرآن شدم و حتی آموزش هم می‌دادم.» میهمان این قسمت از «دعوت» از دوران آزادی خود گفت: «از زندان آزاد شدم اما از درون نه! برای

محمد برمایی؛ دل‌واپس بودم فضای برنامه خشک و یک‌طرفه شود

می‌گویند کاش ملبس نبودی نشان می‌دهد من را پذیرفته‌اند. «دعوت» توانسته با وجود همین پارادوکس‌هایی که دارد، طیف‌های گسترده‌ای از مردم را جذب کند و گسترده شدن جامعه مخاطب احتمالاً رضایت‌مندی بیشتری را به دنبال دارد.

زنان حضور پررنگی در برنامه دارند و ما شاهد بیان داستان‌ها و مشکلات آنها در این برنامه هستیم. فکر می‌کنم این اتفاق خوب برنامه دعوت است که نشان می‌دهد خانواده در کنار هم رشد کرده است.

زنان مخاطب اصلی «دعوت» نیستند بلکه خانواده مخاطب است اما همیشه ما در برنامه‌سازی‌ها یا با فمینیسمی افراط‌گرایانه پیش می‌رویم یا بسیار مردسالارانه زندگی را روایت می‌کنیم. در صورتی که تعادل در دین اسلام و نگاه به خانواده بسیار عیان است و همگی این موضوع را می‌دانیم. ما در اسلام فقط مساوات نداریم بلکه عدالت هم داریم و در برنامه تلویزیونی قاعدتاً زمانی که من در برنامه از مردی که ۱۷ سال زندان بوده می‌گویم باید به سختی‌های همسرش اشاره کنم. در برنامه‌ها زنان سرپرست خانوار را نمی‌بینیم و آنها را زنانی تهی‌دست و فقیر معرفی می‌کنیم که به دلیل اینکه حمایت اجتماعی از آنها صورت نمی‌گیرد مورد توهین قرار می‌گیرند و احساس ناامنی می‌کنند. در «دعوت» نمی‌خواهیم نگاه فمینیستی داشته باشیم اما می‌گویم این زن که خانواده را حفظ کرده دارای ارج و قرب بسیار است. باید او را دید و مورد تجلیل قرار داد اما به‌جا که فمینیست افراطی اسلامی نباشیم. من پنج سال در فضای کاری خودم مطالعاتی در حوزه زنان داشتم و زن‌شناسی از منظر اسلام، شخصیت‌شناسی و اسطوره‌شناسی حوزه زنان را خوب بلدم. بنابراین من می‌دانم این زن آسیب‌دست است و زلیخای درون دارد. این زن در زندگی خود یک سین دخت و تهیمنه در شاهنامه است که جلوی وقوع جنگی را می‌گیرد. باید از چنین زنی که ایستاده و در زندگی تدبیر می‌کند، گفت. باید به ساختار حوزه زنان توجه کرد و البته نباید در تله‌های افراط و تفریط افتاد و فمینیست غربی یا اسلامی شد. همه چیز در خدمت خانواده است. زن در مجاورت خانواده رشد می‌کند و باعث حفظ آن می‌شود. پایداری خانواده اهداف جدی برنامه امسال است و می‌گویم که چه کسانی در خانواده به حفظ آن کمک کرده‌اند. زنان را باید درست دید ضمن اینکه من معتقدم به این تعادل در تلویزیون کمتر پرداخته شده است.

با واقعیت مواجهه داریم و مفاهیم بزرگ زندگی نظیر امیدبخشی، ایثار، بخشش و عشق را چاشنی این واقعیت می‌کنیم تا مردم احساس کنند که هنوز زنده‌اند، زندگی می‌کنند و خدا آنها را فراموش نکرده است. حال‌وهوای ماه مبارک رمضان باید دغدغه‌های پسا‌کرونا را کم می‌کرد و «دعوت» در حد خودش می‌خواهد دغدغه‌های پسا‌کرونای خانواده را کم کند.

به نظر شما برنامه‌ای که لحظه افطار می‌خواهد پخش شود چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ و برنامه دعوت چقدر در این ویژگی‌ها می‌کند؟

حضور من در برنامه می‌تواند یک تهدید هم باشد، به این جهت که ممکن است من به‌واسطه روحانی بودنم فضای طلبگی خشک و یک‌طرفه‌ای را در برنامه ارائه بدهم و این دل‌واپسی وجود داشت. نکته دوم اینکه فضای برنامه باید متناسب با ماه مبارک رمضان باشد و معنوی و مذهبی حرف بزنیم. از طرفی برنامه زنده است و تولیدی نیست که هرچا خواستیم متوقف کرده و اصلاح کنیم. در برنامه زنده باید به قدری صداقت بی‌رحمانه داشت که حتی اگر اشتباه کردیم روی آنتن زنده به اشتباه خود اقرار کنیم و توضیح بدهیم. برنامه زنده آزمون و خطاست و شرایط سختی دارد. اینکه ما برنامه خشکی نداشته باشیم بخشی از آن با ترجیحات رفتاری من تلطیف می‌شود زیرا من به هیچ‌عنوان از الفاظ خیلی سنگین استفاده نمی‌کنم و سعی می‌کنم از الفاظ عام‌تر و خمینی‌وارتری حرف بزنم. به‌مانند آیت‌اللهی که می‌تواند برای کارگر هم صحبت کند و طوری گفت‌وگو کند که برای همه مردم قابل درک باشد. در مواردی که کلمات سخت و سنگینی به کار می‌برم خودم را محکوم می‌کنم و همسر هم به من گوشزد می‌کند که چرا علمایی حرف زدی؟! نکته‌ای هم در پوشش من وجود دارد این است که من عباي خود را برای ایجاد صمیمیت و نه به منظور شکستن قالب‌های رایجی که از یک روحانی وجود دارد، برمی‌دارم. در آغاز برنامه هم خوش‌ویش صمیمی با مخاطب دارم تا به‌اصطلاح یخ میهمان آب شود و برنامه را برای خودش بدانند، اضطراب برنامه زنده از او زوده شده و صمیمیت و فضای معنوی واقعی ایجاد شود. ما مخاطب «دعوت» را بسیار عام می‌دانیم از مذهبی‌ترین، کم‌اعتقادترین تا بی‌اعتقادترین آدم‌ها! از همه طیف‌های سیاسی، اجتماعی و گروه‌های سنی مخاطب ما هستند. ما اگر بتوانیم این گستره را با طلبه‌ای که احتمالاً یک عده او را نمی‌پسندند، بشکستیم اتفاق خوبی می‌افتد. اینکه به من

«دعوت» این است که یک طلبه با مختصات خاص خود اجرای آن را برعهده دارد. دوم اینکه ساختار و فرم رسانه‌ای این برنامه خیلی حرفه‌ای است و نسبت به سال گذشته پیش‌تولیدها و مدیریت خوبی در این حوزه داشتیم. میان برنامه‌هایی که پخش می‌شود بسیار معناگرا و تمام‌انتهایی بر یک روایت، آیهای از قرآن و موضوع و سرفصلی براساس محتوای برنامه است. نکته مهم‌تر این است که پرداخت ما در برنامه متفاوت از سال گذشته بوده و موضوع ما متمایز از همه برنامه‌های دم افطار است. ما در «دعوت» فقط از خانواده می‌گویم و این صمیمیتی که با گفت‌وگو‌هایی در این حوزه اتفاق می‌افتد این برنامه را متفاوت می‌کند.

در حال حاضر با توجه به وجود بیماری کرونا در کشور احتیاج داریم که با برنامه‌سازی در صداوسیما به مردم امید بیشتری بدهیم. چقدر سعی کردید در طول این ۲۱ شب گذشته امید را به مردم منتقل کنید؟

بسیار زیاد به موضوع امیدبخشی فکر کردیم. تلاش کردیم برنامه‌ای نباشیم که مدام از کرونا بگویم و باعث ترس مردم بشویم. ما در برنامه، زوج پزشک و پرستار هم داشتیم اما گفت‌وگو را ابتدا از خانواده آغاز می‌کردیم و بعد به قسمتی مربوط به کرونا بخشش را که امیدبخش بود مانند داستان مادر بزرگ ۸۰ ساله‌ای که مبتلا شده و بهبود یافته بود را روایت کرده و عبور می‌کردیم.

به‌طور مثال در مورد پزشکی که خودش و همسرش درگیر این بیماری بودند ابتدا از شرایط خانوادگی و روابط درون خانواده و احتیاط‌های مربوط به بیماری می‌گفتیم و در پایان به موضوع دختری که ۴۰ روز پدر و مادرش را ندیده است، اشاره می‌کردیم. قرار بر این نیست که مدام و به‌صورت کلامی از مردم بخوایم امیدوار باشند بلکه واقع‌گرایی در برنامه امسال «دعوت» مشهود است. در این برنامه از حقیقت‌ها دم می‌زنیم، میان برنامه می‌سازیم و تیتروا اشاره می‌کنیم اما از واقعیت‌ها می‌گوئیم. دانستن این نکته اهمیت دارد که ما

اجرا کردن سختی‌های خاص خودش را دارد اما سختی برنامه‌ای که برای افطار تولید می‌شود دوچندان است. کمی از اجرای این برنامه و دشواری‌هایی که داشتید، بگویید.

بله، سختی‌های زیادی داشت. ما حتی در اجرا حساسیت‌های گفتاری و کلامی داریم. من برنامه هرشب را مجدداً از طریق اینترنت به همراه همسر می‌بینم و اشتباهات خودم را یادداشت می‌کنم و جمله‌هایی که نباید از آنها استفاده می‌کردم را می‌نویسم. از طرفی دوستان رسانه‌ای متخصصی دارم که با من تماس می‌گیرند و نکات را به من می‌گویند. همچنین گروه برنامه‌ساز «دعوت» به همه موارد دقت می‌کند و تهیه‌کننده در پایان، موارد مهم را به من گوشزد می‌کند چرا که من خودم را نمی‌بینم بلکه مردم نظاره‌گر من هستند اما مشاوره‌ها و ارجاعات خوبی از دیگران می‌گیرم. خودم نیز مراقبت می‌کنم که سختی اجرا کمتر شده، حاشیه درست نشود و برنامه خوبی ارائه کنیم.

اجرای کدام برنامه سخت و دشوار بود؟ و چرا؟

زمانی که خانواده معظم یک شهید روبه‌رویم نشستند هرچقدر سوره مقدس تر بوده و نظام ارزشی بیشتری داشته باشد، آن برنامه برای من سخت‌تر می‌شود. تلاش می‌کنم شخصیت، عزت‌نفس و جایگاه آنها حفظ شود و برنامه هم کلیشه‌ای نشود. از طرفی می‌دانم این میهمانان جذابیت‌ها و سرمشق‌هایی برای ما دارند که باید آن جذابیت‌ها را جلوه‌گر شویم که این موضوع برای من خیلی سخت است.

در برهه‌ای اخلاقیات در برنامه‌های معارفی رسانه ملی زیاد بود و کم‌کم این اخلاقیات از بین رفت، در مورد برنامه دعوت به عنوان مجری چه کاری انجام دادید که شبیه به دیگر برنامه‌ها نباشد؟ اولین وجه تمایز برنامه

معرفی کتاب

کاش برگردی؛ مادرانه‌ترین کتاب مدافع حرم

شد، یا چگونه می‌شود فرزندی چون حمید تربیت کرد، کتاب کاش برگردی را بخوانید. معتمد این روایت نه‌تنها روایت مادر زکریا، بلکه روایت همه مادران شهدای سرزمین ماست. این «درام» تنها «مراد» دل‌ما بر «مدار» زندگی یک «مادر» نیست؛ بلکه مادرانه‌ای برای همه نسل هاست. آینده‌ای روشن از همه مادرانی که از جگرگوشه‌هایشان گذشتند تا ما طعم تلخ ناامنی را نچشیم. این مادرانه فرصتی برای مرور تلاش همه مادران این سرزمین در تربیت نسل بالنده مدافعان غیرت و شهادت است.

برشی از کتاب

«دستش را که گرفتم یخ کرده بود، با پایهای می‌لرزید، رو به من گفت: عزیز نمی‌تونم راه برم، منوبل می‌کنی؟ یک‌دستی فاطمه را بغل کردم و با دست دیگرم دوچرخه‌اش را گرفتم و راه افتادم، فاصله زیادی تا خانه نبود ولی آن چند دقیقه خیلی سخت گذشت،

کتابی که چاپ اول تا سوم آن در قالب پیش‌فروش در کمتر از ۱۰ روز به فروش رفت. کتاب «کاش برگردی؛ زندگی‌نامه شهید مدافع حرم زکریاشیری به روایت مادر»، اثر جدید نویسنده کتاب پرفروش زیادت باشد» توسط انتشارات شهیدکلامی منتشر شد.

نویسنده این کتاب، محمدرسلو ملاحسنی که قبلاً با کتاب «یادت باشد» نگاهی عاشقانه به زندگی مدافعان حرم داشته است، این بار در کتاب «کاش برگردی» در نگاهی تازه، داستان زندگی یکی از شهدای مدافع حرم را از زبان مادر شهید به‌روایت می‌نشیند و در صفحات مختلف نکات تربیتی یک زندگی ساده را با روایتی داستانی و جذاب تقدیم خوانندگان می‌کند؛ کتابی که می‌توان آن را مادرانه‌ترین کتاب شهدای مدافع حرم دانست. کتاب یادت باشد پنجره‌ای عاشقانه بود برای از خودگذشتن و کتاب کاش برگردی، پنجره‌ای مادرانه است برای از کجا آمدن. کاش برگردی روایت تربیت حمیدها و زکریایهای عصر ماست. اگر با مطالعه کتاب یادت باشد این سوال برایتان ایجاد شد که چگونه می‌شود مانند حمید

فاطمه محکم دستانش را دور گردن من انداخته بود و آرام اشک می‌ریخت و من مجبور بودم مثل همیشه نقش مادری را بازی کنم که قرار است سنگ‌صبور این خانواده باشد. هرچه جلوتر می‌رفتم فاطمه محکم‌تر مرا بغل می‌کرد، بلکه مادرانه‌ای برای همه حال خودم هم تعریفی نداشت، غربت خودم و دختر شهید را حس می‌کردم و روزهای سختی که قرار است بعد از این داشته باشیم.»

چاپ اول تا سوم این کتاب در قالب پیش‌فروش در کمتر از ۱۰ روز به فروش رفته و هم‌اکنون چاپ چهارم در دست انتشار است.

همچنین این کتاب در قالب «پویش مطالعاتی دل‌تکانی» با جوائز میلیونی، از امروز آغاز به کار کرد و علاقه‌مندان جهت تهیه کتاب می‌توانند از طریق سایت رسمی انتشارات (nashreshahidkazemi)، سایت پویش مطالعاتی (deltekani.ir) یا ارسال نام کتاب به سامانه ۰۱۴۴۱۳۰۰۰ کتاب را با تخفیف تهیه کنند.

